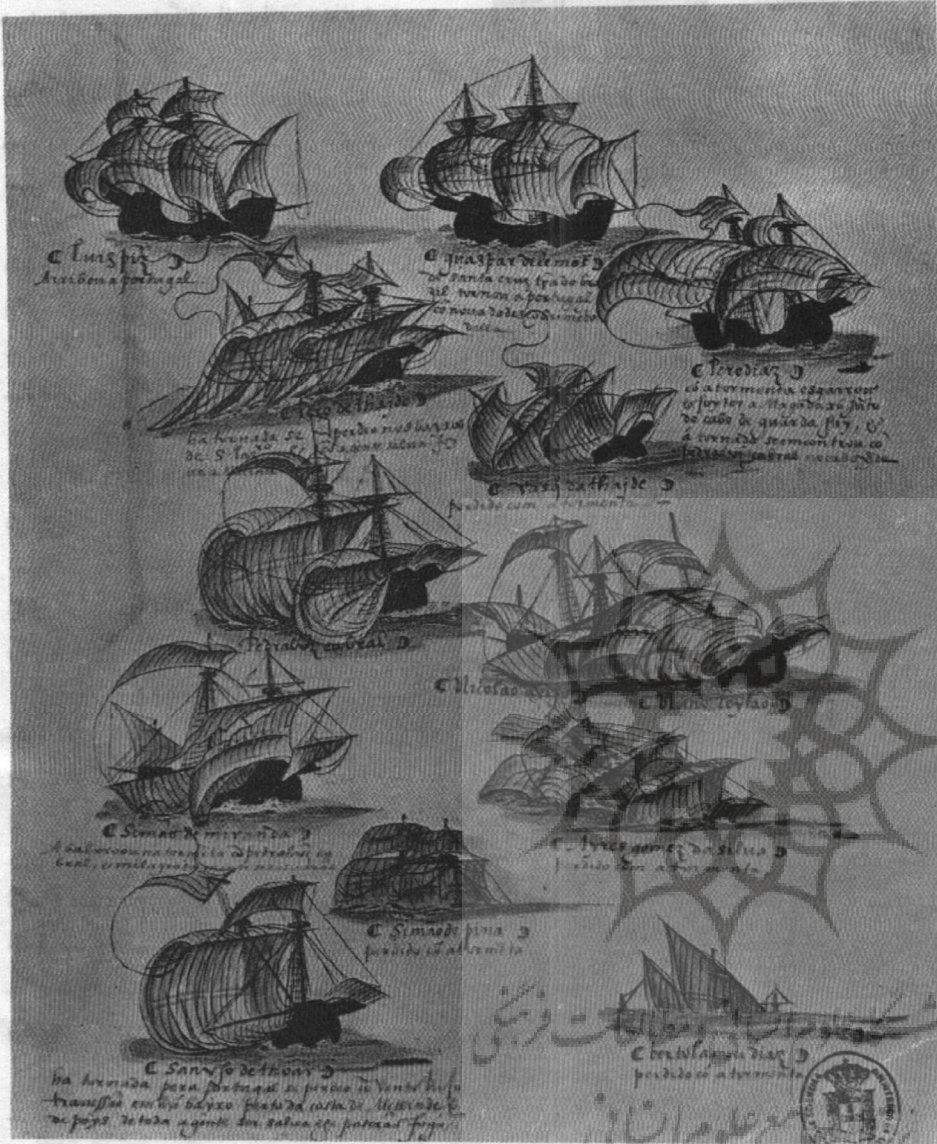


# کاموئش و برزیل

نوشته ژوزوئه دوسوزا مونته‌لو



در این تصویر که از کتاب *Livro das Armadas* برداشته شده، کشتی‌های ناوگان جنگی پدرو آلوارش کابریلیو که در سال ۱۵۰۰ به برزیل رسیدند، دیده می‌شود. این کتاب در فرهنگستان علوم لیسبون نگهداری می‌شود.

اشغال نظامی. در قرن هفدهم تفکر دربارهٔ ایدهٔ وطن دوم برای منطقه بجای بازار مستعمراتی ماوراء دریاها در ذهن آنها قوت گرفت. بنا به گفتهٔ جامعه‌شناس برزیلی گیلبرتو فریر، این روند در هم آمیختگی اجتماعی بدین جهت بوجود آمد که پرتغال در اوایل دورهٔ توسعه جهانی با مبادلات فرهنگی و نژادی بین اروپا و افریقا از جهت فرهنگی به استغنا رسیده بود.

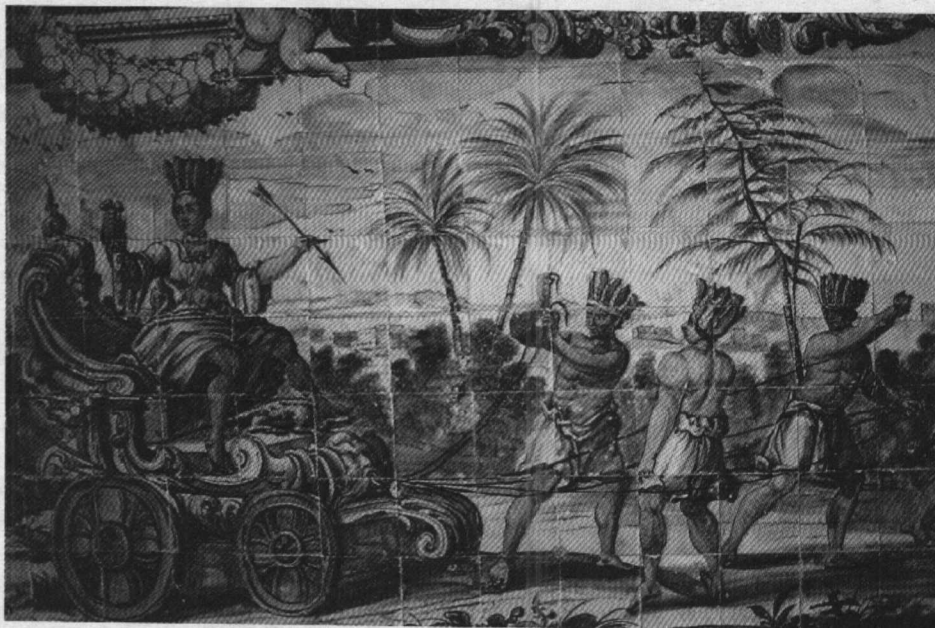
نوشته‌های لویش دکاموئش در اتحاد فرهنگ پرتغال و برزیل نقش مهمی بازی کرد. بنابر عقیده نویسندگان برزیلی چون مانوئل باندیریا و ژوزوئه دوسوزا مونته‌لو، اثر کاموئش برای همه مردم پرتغالی زبان اثری آشنا و رشته الفتی بین آنها است.

استعمار پرتغال در برزیل، در سال ۱۵۰۰ بعد از رسیدن پدرو آلوارش کابریلیو به آنجا آغاز گردید. در قرن شانزدهم مناطق پرتغالی‌نشین برزیل محدود به دشت‌های ساحلی بود. در قرن هفدهم و هجدهم نفوذ به مناطق داخلی برزیل انجام گرفت. گروهی

ماجراجو بنام «باندیریا»ها از محدوده‌ای که در پیمان توردوسیلاس (۱۴۹۴) برای تقسیم منطقه نفوذی اسپانیا و پرتغال در امریکا مشخص شده بود بسیار فراتر رفتند. بدین‌طریق «کشوری به وسعت یک قاره» با وسعت و جمعیتی تقریباً معادل نیمی از قاره امریکای جنوبی بوجود آمد. در اوایل قرن نوزدهم کشور جدید در حقیقت بدون هیچ‌گونه مبارزه‌ای مستقل گردید و دون پدرو، فرزند شاه پرتغال، امپراتور آنجا شد.

علی‌رغم ستمکاری‌های موجود در کشورگشایی‌ها، پرتغالی‌ها در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی به تجارت دریایی اولویت دادند تا به





با وجود اینکه در متن نوشته‌های کاموش برزیل آتقدرها به چشم نمی‌خورد، این شاعر بزرگ پرتغالی بصورتی مستقیم و غیرمستقیم، بنابر مطالعات متعددی که درباره اثر وی بعمل آمده، نفوذی عمیق و قابل توجه در ادبیات برزیل داشته است.

در تمامی بندهای هشت بیتی شعر پروزیوییا، شعری حماسی که بیتوتیخیرا، یکی از اولین شاعران ما و به عقیده بعضی پدر ادبیات برزیل، با الهام گرفتن از تأثیر سرزمین و مردم جدید سروده است، دیده می‌شود. آلفردو پوسی، یکی از اساتید تاریخ ادبیات برزیل در کتاب خلاصه‌ای از تاریخ ادبیات برزیل در مقدمه فصلی درباره مهم‌ترین نویسندگان دوره استعمار می‌نویسد: «تقلید دائمی از لوزیاد کاموش، منجمله استفاده از همان نوع ساختار محتوایی، اشارات اسطوره‌ای و حتی برگردان‌های خاص جملات موجود است.»

عظمت یک شاعر فقط به سبب آثار خود وی نیست، بلکه آثاری که ملهم از اوست و قبول سبک او به صورت یک الگو نیز ملاک عمل است - تو گویی که معاصرین و متعاقبین درصددند که دائماً در مدار او بچرخند. از دوره

از قرن شانزدهم به بعد، در هنر پرتغال، نقوشی به الهام از امریکایی‌ها، همراه با نمونه‌هایی از سرخپوستان برزیلی دیده می‌شود. تصویر بالا از نقوش سمبولیک آمریکانیان بر کاشی‌های نقاشی شده لعاب‌دار (آزولخو)، در موزه شهرداری ونیادو کاستلو در پرتغال نگهداری می‌شود.

هنوز در گوش‌ها طنین انداز است.  
بخاطر سربازان و شاعران  
زبان تو.  
زبانی که به آن  
در مدح بازوان توانا  
و پرچم‌های برافراشته سرودی،  
نخواهد مرد.

باروک تا رمانتیسم، از رئالیسم تا سمبولیسم و حتی تا مدرنیسم، نفوذ بی‌چون و چرای کاموش، شعرا، نویسندگان و منتقدین را تحت تأثیر قرار داده است. شاعر و نویسنده بزرگ، یواخیم ماریا ماشادو د آسیس (۱۸۳۹-۱۹۰۸) در اقرار به نفوذ کاموش در آثارش لحظه‌ای درنگ نکرده است. آلبرتو (اولیورا) (۱۸۵۷-۱۹۳۷) نیز که به سبب مهارت در استفاده از قالب‌های شعری سبک پارتاسی، دید، وسعت آثار منظوم و مهارت فنی وی در شاعری، شاعر پیشاهنگ برزیلی در این سبک شناخته شده است، در هر نوع بررسی، از هر نظر، از پیروان کاموش به حساب می‌آید).

لطیفه زیر نشان دهنده اخلاص نویسنده *Canções Romântica* (۱۸۷۸) نسبت به کاموش است. روزی اولیورا در فرهنگستان ادبیات برزیل دچار ناراحتی غیرمنتظره تنفسی شد. پروفیسور آلوسیو دوکاسترو پزشکی وی بلافاصله به کمکش آمد ولی به جای تجویز داروهای معمول، بیتی از لوزیاد را برای او خواند و سپس پرسید این بیت از کدام بند لوزیاد است. با این پرسش آلبرتو د اولیورا، که در آن زمان مرد پیری بود، با صدایی لرزان تمام آن بند لوزیاد را از ابتدا تا انتها از حفظ خواند. سپس ناگهان با لبخندی پزشک را از بهبودی خویش آگاه ساخت.

در هنگام اوج گیری مدرنیسم، مانوئل ناندریا (۱۸۸۶-۱۹۶۸)، که در آغاز شاعر سبک سمبولیسم بود، زمانیکه در آسایشگاهی در سویس بطور اتفاقی با شاعر فرانسوی پل الوار همنشین شد، غزل زیر را تحت تأثیر اشعار کاموش سرود.

آنگاه که یاد وطن...

که چون خون در رگهای جاری است،

با ابرهای تیره غم

بر روحت سنگینی می‌کند،

شکوهی را که زمانه نابود نخواهد کرد،

در زیبایی بی‌مانند سرودت جستجو کن،

ای نابغه، شاعر سلحشور، یگانه طبیعت،

که پس از محنت‌ها، محبوب شدی،

و عشق وطن، پرتغال، سرزمین مقدس،

درونت چون شعله‌های آتش زبانه می‌کشد،

سرودهای آتشینت...

در وصف گروهی مغرور،

فائق بر خطرات...

و افراشته صلیب در قاره‌ها...

به عقیده من این شعر کوتاه، زیباترین هدیه‌ای است که در ادبیات برزیل از طرف یکی از شعرای معاصر برزیلی نثار کاموش شده است.

ویژگی‌های اصلی اثر کاموش چیست؟ بالاتر از هر چیز، صور مختلف بیانی است که با مهارت کامل با احساس شاعر و حساسیت او نسبت به مردمی که به آنها تعلق داشت در زمانیکه پرتغال به فتوحات خود ثبات می‌بخشید، مطابقت داده شده است. گاهی دقت کاموش در بیان شاعرانه و توجه مداوم او به روش‌های ابداعی شعری، او را شاعری بینهایت مدرن جلوه می‌دهد.

پس از جستجوی کاملی در تمامی ادبیات مکتوب پرتغالی برای پیدا کردن اثری زیبا نظیر آنچه کاموش آفریده است، فقط می‌توانم بگویم که شعر پرتغالی، از قرون وسطی تاکنون، بصورتی شگفت‌انگیز، در اثر سلاست شعر کاموش، که از اختصاصات اثر اوست، غنی‌تر شده است.

و در نهایت، نکته ظریف دیگری نیز وجود دارد که حقیقتی را آشکار می‌سازد. آنتونیو کاستیلیو دو آلکانتوا ماشادو (۱۹۰۱-۱۹۳۵) در کتاب خود بنام زندگی و مرگ باندیرانت که مجموعه‌ای است از تعدادی اسناد حقوقی مربوط به فتوحات عمده سرزمین‌های داخلی برزیل بدست اسپانیایی‌ها، پرتغالی‌ها و برزیلی‌ها، به آثار ادبی مذکور در این اسناد، اعم از وصیت‌نامه‌ها و یا لیست اموال اشاره می‌کند. در بین آنها او آثار کاموش را در کنار آثار کوئودو حماسه‌سرا و غزل‌سرا و استاد هنرمند اسپانیایی پیدا می‌کند. یکی از باندیرانت‌ها، در حقیقت وصیت‌نامه خود را پشت یکی از صفحات لوزیاد نوشته است.

ژوزوئه دوسوزا مونته‌لو نویسنده برزیلی، صاحب انتشارات متعددی از کتاب‌های داستانی تا بررسی‌های اجتماعی و سیاسی است که جوایزی ادبی از برزیل و نقاط دیگر برایش به ارمغان آورده‌اند. او یکی از اعضای فرهنگستان ادبی برزیل و فرهنگستان تاریخ پرتغال و فرهنگستان بین‌المللی فرهنگ پرتغال است و در حال حاضر به عنوان نماینده کشورش در یونسکو خدمت می‌کند.